



هنر چگونه می‌تواند واقعیت‌های پنهان جنگ را آشکار کند؟

صدای خاموش رنج بر بوم هنر

تحلیل‌های صرفاً عقلانی از جنگ، بخشی از واقعیت اجتماعی را نادیده می‌گیرند



جامعه‌شناسی هنر

اعظم فردوست

گروه اندیشه

چهارمین نشست از سلسله نشست‌های «جنگ رمضان» با عنوان «جامعه‌شناسی هنر و جنگ» در پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و با همکاری مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم برگزار شد. دکتر رضا صمیم، استاد انسان‌شناسی دانشگاه تهران و عضو هیأت علمی

جامعه‌شناسی هنر چطور جنگ را خوانش می‌کند؟ رضا صمیم در آغاز سخنان خود با تشریح مفهوم جامعه‌شناسی هنر، بر تمایز این حوزه با دیگر شاخه‌های علوم اجتماعی تأکید کرد و گفت، جامعه‌شناسی هنر بیش از آن که به دنبال تحلیل عقلانی واقعیت باشد، در پی فهم تجربه حسی انسان است؛ «وظیفه جامعه‌شناسی هنر فهم‌پذیر کردن جنبه حسی تجارب است. اگرچه این حوزه یکی از شاخه‌های دانش محسوب می‌شود، اما اولویت آن نه تحلیل عقلانی موقعیت، بلکه تفسیر حس است. همین ویژگی باعث می‌شود در مقایسه با سایر شاخه‌های دانش، بویژه در مواجهه با جنگ، جایگاه متفاوت و منحصر به فردی پیدا کند.» او معتقد است نگاه‌های پوزیتیویستی معمولاً واقعیت را امری کاملاً قابل سنجش و توضیح‌پذیر می‌دانند، در حالی که بخش مهمی از تجربه انسانی در ساحت احساس و ادراک شکل می‌گیرد. این استاد انسان‌شناسی افزود: «برای ما مهم است که بدانیم جنگ چگونه احساس می‌شود؛ جنگ به‌عنوان

تجربه‌ای از ترس، فقدان، تعلیق، خشم، کینه، شرمساری و حتی گاهی نوعی سرخوشی جمعی حس می‌شود. جنگ به‌مثابه یک امر حسانی، دقیقاً همان نقطه‌ای است که جامعه‌شناسی هنر وارد می‌شود تا آن را فهم‌پذیر کند.» او با انتقاد از رویکرد غالب در تحلیل جنگ در رسانه‌ها و فضای دانشگاهی گفت: «واقعیت این است که بسیاری از رسانه‌ها و حتی دانشگاه‌ها، بدون آنکه متوجه باشند، با عقلانی دیدن صرف جنگ، بخشی از واقعیت اجتماعی آن را حذف می‌کنند. جامعه‌شناسی هنر می‌خواهد این نقصان را جبران کند. ما در اینجا با تغییر زبان مواجهیم؛ یعنی عبور از زبان علت و معلول به زبان حس و ادراک. نمونه روشن این رویکرد را می‌توان در رمان «جنگ و صلح» تولستوی دید.»

از زبان عقل تا زبان حس در فهم جنگ

صمیم در ادامه با اشاره به سه متفکر مهم یعنی والتر بنیامین، سوزان سانتاگ و ژاک لاکریان، چهارچوب نظری جامعه‌شناسی هنر در مواجهه با جنگ را توضیح داد. او درباره والتر بنیامین گفت: «بنیامین در تحلیل مدرنیته و

جامعه‌شناس هنر خواننده حس جنگ

صمیم معتقد است جامعه‌شناس انتقادی هنر به دنبال استخراج پیام اثر هنری نیست، بلکه وظیفه اصلی او خواندن و تفسیر حس جنگ است؛ «جامعه‌شناس انتقادی هنر نمی‌خواهد صرفاً پیام اثر را کشف کند؛ این همان کاری است که جامعه‌شناسی هنر رایج انجام می‌دهد. وظیفه اصلی او این است که ببیند جنگ چگونه در تصویر، صدا و روایت‌های هنری حضور پیدا می‌کند و چگونه تجربه می‌شود.» او سه وظیفه اصلی برای این حوزه برشمرد: اول، تفسیر تجربه حسی جنگ؛ دوم، آشکار کردن سازوکارهای حسی قدرت و سوم، برجسته کردن امکان‌های بدیل برای حس کردن جنگ از طریق آثاری که نظم مسلط ادراک را برهم می‌زنند. به باور او، همین تغییر زاویه از «تحلیل صرفاً عقلانی» به «فهم حسی تجربه»، همان چیزی است که جایگاه جامعه‌شناسی هنر را در تحلیل جنگ روشن و ضروری می‌کند؛ رویکردی که جنگ را فقط به‌عنوان یک رویداد سیاسی نمی‌بیند، بلکه به‌عنوان تجربه‌ای انسانی و پیچیده پیش‌روی ما قرار دهد.



همان‌گونه که مخاطبان رسانه‌های داخلی و خارجی، یک جنگ واحد را به شکل‌های متفاوتی تجربه می‌کنند.»

اخلاق «تماشای رنج دیگران»

بخش دیگری از سخنان او به آرای سوزان سانتاگ و کتاب مشهور «درباره رنج دیگران» اختصاص داشت؛ اثری که به بررسی تصاویر جنگ و تأثیر آنها بر مخاطب می‌پردازد. صمیم در این باره توضیح داد: «سانتاگ معتقد است تصاویر جنگ می‌توانند هم باعث افزایش حساسیت ما نسبت به رنج شوند و هم زمینه بی‌حسی و بی‌تفاوتی را فراهم کنند. او یک پرسش اخلاقی مهم مطرح می‌کند: «اینکه آیا دیدن تصاویر رنج دیگران موجب همدلی می‌شود یا صرفاً به نوعی مصرف تماشاگرانه جنگ و سیاحت رنج تبدیل می‌شود؟»

«نظم حسی» در سیاست‌ورزی

صمیم در ادامه با اشاره به نظریات ژاک لاکریان و والتر بنیامین، سوزان سانتاگ و ژاک لاکریان، چهارچوب نظری جامعه‌شناسی هنر در مواجهه با جنگ را توضیح داد. او درباره والتر بنیامین گفت: «بنیامین در تحلیل مدرنیته و

اندیشه-گزارش

گزارش «ایران» از نشست «نقش دیپلماسی فرهنگی در امنیت خلیج فارس»

امنیت فرهنگی؛ یک سیاست راهبردی

دیپلماسی فرهنگی

صباذوالفقاری

گروه اندیشه

دانشگاه علامه طباطبایی میزبان نشست «نقش دیپلماسی فرهنگی و امنیت منطقه‌ای در خلیج فارس» شد تا با توجه به تحولات اخیر در منطقه، سهم «فرهنگ» در «امنیت خلیج فارس» را از سطح یک ابزار تکمیلی به جایگاه یک مؤلفه بنیانی ارتقا دهد و با حضور جمعی از اساتید علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، چشم‌اندازی از «امنیت مبتنی بر همکاری فرهنگی» ترسیم کند. سخنرانان در این نشست بر این نکته تأکید گذاشتند که گفتمان غالب در روابط بین‌الملل در حال حرکت به سوی نوعی «امنیت فرهنگی» است؛ رویکردی که در آن، هویت‌های مشترک، ادراکات متقابل و پیوندهای اجتماعی، به اندازه موازنه‌های نظامی اهمیت می‌یابند. در این چهارچوب، «دیپلماسی فرهنگی» دیگر یک ابزار حاشیه‌ای نیست، بلکه یک سیاست راهبردی برای بازسازی نظم منطقه خلیج فارس به‌شمار می‌رود.

امنیت پایدار بدون دیپلماسی فرهنگی ممکن نیست

دکتر سیدجلال دهقانی فیروزآبادی، استاد روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی و دبیر شورای راهبردی روابط خارجی، با تأکید بر اینکه خلیج فارس را نمی‌توان صرفاً به‌عنوان یک بینه جغرافیایی فهم کرد، آن را واقعیتی دارای ابعاد تاریخی، فرهنگی و سیاسی دانست و گفت: «خلیج فارس در تولید قدرت نرم برای ایران نقش قابل توجهی ایفا می‌کند. تحولات اخیر و جنگ رمضان نشان داده‌است که این منطقه می‌تواند در شکل دهی به افکار عمومی، بویژه در جهان عرب، مؤثر و به نفع ایران باشد.»

او با اشاره به تحول در ادبیات نظری روابط بین‌الملل، تصریح کرد که در رویکردهای جدید، «فرهنگ» دیگر در حاشیه سیاست و امنیت قرار ندارد، بلکه به‌عنوان عاملی قوام‌بخش و حتی مقدم بر سایر حوزه‌ها عمل می‌کند. از این منظر، «منطقه» زمانی معنا پیدا می‌کند که میان اعضای آن نوعی تعامل و درک مشترک شکل گیرد؛ امری که بدون اتکا به دیپلماسی فرهنگی ممکن نیست؛ «سیاری از رویدادهای مهم تاریخی در این منطقه رخ داده‌اند که در شکل‌گیری هویت و شناخت ایران تأثیرگذار بوده‌اند. این استاد دانشگاه، با راجع به جنگ اخیر، تأکید کرد که «امنیت ارادتی» و «امنیت ممکن نیست»؛ «سیاری از رویدادهای مهم تاریخی در این منطقه متکی به قدرت‌های بیرونی، نه تنها پایدار نیست، بلکه مانع شکل‌گیری همکاری واقعی می‌شود. به اعتقاد او، خلیج فارس به‌مثابه «شانسانامه استاد دانشگاه، با راجع به جنگ اخیر، تأکید کرد که «امنیت ارادتی» و «امنیت ممکن نیست»؛ «سیاری از رویدادهای مهم تاریخی در این منطقه متکی به قدرت‌های بیرونی، نه تنها پایدار نیست، بلکه مانع شکل‌گیری همکاری واقعی می‌شود. به اعتقاد او، خلیج فارس به‌مثابه «شانسانامه

دیپلماسی فرهنگی، مکمل امنیت سخت است

دکتر وحید شالچی، معاون فرهنگی و اجتماعی وزیر علوم، تحقیقات و فناوری و عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی، با ترسیم تصویری از خلیج فارس به‌عنوان یکی از کانون‌های رقابت ژئوپلیتیک، ورود بازیگران فرامنطقه‌ای را عامل تشدید درگانه‌های امنیتی دانست. او با تأکید بر اینکه این منطقه می‌تواند به یک «اکوسیستم مشترک منطقه‌ای» تبدیل شود، افزود: «اما مداخلات بیرونی، رقابت‌های امنیتی را تشدید می‌کند و می‌تواند به تضعیف میراث فرهنگی مشترک بینجامد.» شالچی در ادامه، با اشاره به عمق پیوندهای فرهنگی میان مردم جنوب ایران و کشورهای حاشیه خلیج فارس، بر ضرورت فعال‌سازی این ظرفیت‌ها تأکید کرد و گفت: «دیپلماسی فرهنگی، به‌عنوان مکمل امنیت سخت، می‌تواند

«چالش‌هایی مانند بیکاری یا کاهش درآمد می‌تواند کیفیت رابطه را تحت تأثیر قرار دهد. این شرایط گاهی احساس ناگامی یا نگرانی شدیدی در افراد ایجاد می‌کند و ممکن است به شکل عصبانیت یا بی‌حوصلگی بروز پیدا کند.»

او توضیح می‌دهد: «ممکن است همسر شما به ظاهر پرخاشگر یا کم‌حوصله به نظر برسد، اما در واقع با احساس شکست یا نگرانی درباره آینده روبرو می‌باشد. در چنین شرایطی سرزنش یا مقایسه با دیگران می‌تواند آسیب‌زا باشد. آنچه کمک می‌کند همدات‌پنداری و ایجاد حس امنیت عاطفی در خانه است.»

این روانشناس، با بیان اینکه امنیت عاطفی زمانی شکل می‌گیرد که خانه به محلی برای بیان احساسات تبدیل شود، نه جایی برای قضاوت و سرزنش می‌گوید: «زوجین باید زمانی مشخص برای گفت‌وگو درباره دغدغه‌های تعیین کنند. نه اینکه هر لحظه و در هر جمعی درباره مشکلات صحبت کنند. وقتی زمان گفت‌وگو مشخص نباشد، ذهن آمادگی بیشتری برای شنیدن ندارد و احتمال بروز تنش کمتری می‌شود.»

او همچنین توصیه می‌کند که گفت‌وگوها بیشتر بر زمان حال متمرکز باشد؛ «پردازن مداوم به گذشته یا نگرانی بیش از حد درباره آینده ذهن را فرسوده می‌کند. بهتر است زوجین از خود بپرسند امروز چه کاری می‌توانند انجام دهند که شرایط کمی بهتر شود. حتی کارهای کوچک مثل همراهی ریزی روزانه یا تقسیم مسئولیت‌ها می‌تواند احساس کنترل و آرامش بیشتری ایجاد کند.»

مدیریت استرس و حفظ آرامش خانه

همتی به علائم جسمانی استرس نیز اشاره می‌کند و می‌گوید: «فشارهای روانی فقط در ذهن باقی نمی‌ماند. تپش قلب، خستگی شدید، بی‌خوابی یا سردرد می‌تواند از نشانه‌های استرس باشد. این نشانه‌ها طبیعی است و نباید به‌عنوان ضعف شخصیت تلقی شود. اگر زوجین این علائم را بشناسند و درباره آنها صحبت کنند، می‌توانند از تبدیل شدن آنها به بحران بزرگ‌تر جلوگیری کنند.»

او نقش تکنیک‌های آرامش‌بخش را نیز

پیدا می‌کند، طبیعی است و نباید آنها را به عنوان ضعف شخصیتی تعبیر کرد؛ «کسی که اخبار جنگ یا بحران را دنبال می‌کند، ممکن است دچار اضطراب یا نگرانی شدید شود. اگر این احساسات نادیده گرفته شود یا مورد تمسخر قرار بگیرد، فشار روانی چند برابر خواهد شد. در حالی که همدلی می‌تواند از شدت این اضطراب بکاهد.»

شنیدن، مهم‌تر از نصیحت کردن

باید آگاهانه تمرین شود. او می‌گوید: «وقتی همسرمان نگران است، لازم نیست حتماً راه‌حل ارائه بدهیم. گاهی کافی است بگوییم: می‌فهمم که نگران هستی. همین جمله ساده پیام همراهی و درک را منتقل می‌کند. اگر هم نمی‌توانی همدلی کلومی داشته باشم، سکوت و گوش دادن فعال نیز بسیار مؤثر است. شنیده شدن یکی از اساسی‌ترین نیازهای روانی انسان است.»

او می‌گوید: «نادیده گرفتن اضطراب یا تلاش برای کم‌اهمیت جلوه دادن آن، معمولاً نتیجه معکوس دارد. فرد احساس می‌کند احساساتش جدی گرفته نشده و همین مسأله می‌تواند فاصله عاطفی ایجاد کند.»

به گفته این روانشناس، شناخت منشأ بحران نیز نقش مهمی در مدیریت آن دارد: «زوجین باید از خود بپرسند مشکل دقیقاً از کجا ناشی می‌شود. آیا مسأله به رابطه آنها مربوط است یا نتیجه شرایط بیرونی مانند مشکلات اقتصادی، شغلی یا فشارهای اجتماعی است. وقتی مشخص شود ریشه مشکل بیرونی است، نگاه‌ها کمتر متوجه یکدیگر می‌شود و زوجین بیشتر به سمت همکاری و حمایت از هم حرکت می‌کنند.»

فشارهای اقتصادی و کیفیت رابطه

همتی با اشاره به تأثیر مشکلات اقتصادی بر روابط خانوادگی می‌گوید:

می‌گوید: «گاهی زوجین مشکلات خود را با دوستان یا بستگان در میان می‌گذارند، اما این کار اغلب نتیجه معکوس دارد. ممکن است اطرافیان از سردلسوزی قضاوت‌هایی کنند که تنش را بیشتر کند. بهتر است مشکلات در فضای خصوصی بین زوجین حل شود.

شنیده شدن توسط همسر بسیار مؤثرتر از تأیید گرفتن از دیگران است.» او همچنین بر اهمیت حفظ آرامش در حضور کودکان تأکید می‌کند و می‌گوید: «کودکان بیش از آنچه تصور می‌کنیم متوجه فضای عاطفی خانه می‌شوند. اگر بحث‌ها و اختلاف‌ها در حضور آنها مطرح شود، احساس ناامنی خواهند کرد. لازم است والدین حتی در شرایط دشوار نیز تصویر همکاری و حمایت از یکدیگر را به فرزندانشان نشان دهند تا امنیت روانی آنها حفظ شود.»

به گفته این روانشناس، یکی از مهم‌ترین مهارت‌ها در چنین شرایطی انعطاف‌پذیری است. به اعتقاد او انعطاف‌پذیری یعنی بپذیریم شرایط تغییر کرده و لازم است شیوه برخورد خود را نیز متناسب با آن تغییر دهیم.

اصرار بر انتظارات قبلی یا شیوه‌های قدیمی می‌تواند فشار بیشتری ایجاد کند.

عبور از بحران با پنج اصل

همتی در جمع‌بندی توصیه‌های خود می‌گوید: «همدلی، گفت‌وگوی هدفمند، مدیریت استرس، حفظ حریم خصوصی مشکلات و تمرکز بر راه‌حل‌های عملی پنج اصل مهم برای عبور سالم از بحران است. اگر زوجین این اصول را رعایت کنند، نه تنها رابطه آسیب نمی‌بیند بلکه می‌تواند مستحکم‌تر نیز شود.»

او می‌گوید: «واقعیت این است که چالش‌های اجتماعی و اقتصادی دیر یا زود پایان می‌یابد، اما کیفیت رابطه‌ای که در این مسیر شکل می‌گیرد می‌تواند سال‌ها ادامه پیدا کند. بسیاری از زوج‌هایی که روزهای سخت را با همراهی پشت سرمی‌گذرانند بعدها از همین دوره به‌عنوان نقطه عطف زندگی مشترک خود یاد می‌کنند؛ روزهایی که یاد گرفتند به‌جای ایستادن مقابل یکدیگر، در کنار هم بایستند.»

به اعتقاد او، خانه در نهایت باید امن‌ترین نقطه زندگی باشد؛ جایی که نگرانی‌ها شنیده می‌شود، احساسات جدی گرفته می‌شود و اعضای خانواده می‌دانند در سخت‌ترین شرایط نیز تنها نخواهند ماند. اگر چنین نگاهی در خانواده تقویت شود، حتی فشارهای بیرونی و چالش‌های اجتماعی نیز نمی‌تواند بنیان رابطه‌ای را که بر پایه احترام، درک متقابل و همدلی شکل گرفته است، متزلزل کند.



بش

گزارش

درباره «ترومای جمعی» که واژه نام‌آشنایی در روزهای سخت اخیر است

خانه امن

نیلوفر منصوروی

گروه گزارش



شرایط بحرانی فقط به معادلات سیاسی و اقتصادی تأثیر نمی‌گذارد؛ این وضعیت می‌تواند روابط انسانی را نیز تحت تأثیر قرار دهد و زندگی خانواده‌ها را دستخوش تغییر کند. با این حال تجربه بسیاری از خانواده‌ها نشان می‌دهد که همین روزهای دشوار می‌تواند فرصتی برای نزدیک‌تر شدن اعضای خانواده باشد. بسیاری از زوجین تلاش می‌کنند با گفت‌وگو، درک متقابل و توجه بیشتر به احساسات یکدیگر، فضای خانه آرام و بی‌تنش نگه دارند و اجازه ندهند فشارهای بیرونی بر رابطه‌شان سایه بیندازد. دکتر فریبا همتی، روانشناس، در گفت‌وگو با «ایران» معتقد است تجربه این روزها نشان می‌دهد اگر زوجین بتوانند احساسات‌شان را با احترام بیان کنند و شنونده یکدیگر باشند، حتی شرایط دشوار هم می‌تواند به فرصتی برای شناخت بهتر و نزدیک‌تر شدن تبدیل شود.

اثر ترومای جمعی بر روابط خانوادگی

با همه این تلاش‌ها برای همدلی و تاب‌آوری، نمی‌توان منکر تأثیر عمیق وقایع

گزارش

نیلوفر منصوروی

گروه گزارش

کتاب هم‌مانند انتخاب بسیاری از خانواده‌ها در روزهای سخت اخیر بود. روانشناسان می‌گویند تجربه جنگ و اخبار آن می‌تواند نوعی «ترومای جمعی» ایجاد کند و بر روابط عاطفی اثر بگذارد. با این حال، آنچه از خانواده‌ها محافظت می‌کند، شیوه مواجهه زوجین با یکدیگر است. وقتی زن و شوهر به جای تغییر دادن هم، شنیدن احساسات یکدیگر را تمرین می‌کنند، تنش‌ها کمتر می‌شود و احساس امنیت در خانه بیشتر. گاهی یک گفت‌وگوی آرام و چند دقیقه سکوت همراه با همدلی می‌تواند از بسیاری از سوءتفاهم‌ها جلوگیری کند. در چنین شرایطی، همین همراهی‌های ساده است که خانه را به پناهگاهی امن تبدیل می‌کند و پیوندهای خانوادگی را محکم‌تر از قبل نگه می‌دارد.